

سوگیری ارتباط خیالی یا همبستگی پنداری

Illusory Correlation Bias

مغز انسان دارای قابلیت های شگفت انگیزی است که امکان فکر کردن و بهره مند شدن از قوه تعقل را برای او فراهم می سازد. انسان میتواند برای هر پدیده ای یک مفهوم ذهنی بسازد و با مجموعه مفاهیم ذهنی خود فکر کند. قابلیت مفهوم سازی ابزار تفکر را در اختیار بشر قرار میدهد. انسان همچنین میتواند با قدرت فکر خود به وجود ارتباط بین رویدادها و پدیده ها پی ببرد. از روی دود پی به وجود آتش می بریم. اگر دوستان جواب تلفن ما را ندهید آنرا مربوط به اتفاقات آخرین دیداری که داشته ایم میدانیم.

گاهی انسان متوجه برخی ارتباطها و همبستگی ها بین رویدادها و شرایط میشود. مثلا متوجه میشود که هر چه به دوستی بیشتر لطف میکند سطح توقعات او بالاتر میرود. یا هر چه بیشتر پیشرفت میکند میزان حسادت اطرافیان نسبت به او بیشتر میشود. پی بردن به وجود این ارتباط ها بین امور مختلف یکی از قابلیت ها و توانایی های شگفت انگیز مغز انسان است.

اما آیا هر بار که به وجود همبستگی و ارتباط بین دو متغیر پی میبریم، حتما ارتباطی وجود دارد؟ جواب این است که خیر، گاهی مغز انسان در پیدا کردن ارتباط بین امور دچار خطا و اشتباه میشود.

به این خطای فکری همبستگی پنداری یا همبستگی وهمی گفته می شود. این خطای فکری زمانی به وقوع می پیوندد که ما بین دو پدیده یا رویداد که ارتباطی با هم ندارند، نوعی ارتباط ببینیم. ریشه بسیاری از خرافات همین خطای فکری است. جایی که ارتباط منطقی وجود ندارد ولی ما گمان کنیم ارتباطی وجود دارد. مثلا هیچ ارتباط منطقی بین دیدن یک گربه سیاه در کوچه و بد شانسی آوردن وجود ندارد. این دو موضوع هیچ ربطی به هم ندارند.

این خطای فکری از گرایش طبیعی ذهن برای پیدا کردن ارتباط بین پدیده ها نشات میگیرد. همانطور که گفته شد یکی از فعالیت های فکری ما، ایجاد ارتباط بین رویدادها در ذهن است. مشکل اینجاست که گاهی این قابلیت فکری در مسیر نادرستی به حرکت در می آید و انسان دچار خطا میشود.

حتما این اتفاق برای شما یا نزدیکانتان اتفاق افتاده است که گمان کنید فلان لباس را که می پوشید بد شانسی می آورید. این یکی از مثالهای این خطای فکری است.

توجه به این مسئله ضروری است که کشف "روابط واقعی" بین پدیده‌ها امری بسیار مهم است و بسیاری از پژوهش‌های دانشگاهی و علمی از این نوع است که در آن پژوهشگر تلاش میکند رابطه یا همبستگی بین پدیده‌ها (متغیرها) را کشف کند و به این نوع پژوهش‌ها، پژوهش‌های از نوع همبستگی میگویند.

برای نشان دادن میزان این همبستگی از ضریب همبستگی یا Correlation coefficient استفاده میشود. ضریب همبستگی ابزاری آماری است که بوسیله آن نوع و درجه رابطه بین دو متغیر تعیین میشود. ضریب همبستگی، هم نوع رابطه را نشان میدهد یعنی اینکه آیا این رابطه مستقیم یا معکوس است و هم شدت رابطه را. ضریب همبستگی بین 1 و -1 قرار میگیرد و در صورتیکه هیچ رابطه‌ای بین دو متغیر وجود نداشته باشد روی عدد صفر قرار می‌گیرد.

وقتی گفته شود که بین دو متغیر رابطه مستقیم یا مثبت وجود دارد یعنی اینکه با افزایش متغیر اول، متغیر دوم هم افزایش پیدا میکند و همچنین با کاهش یکی از متغیرها، متغیر دیگر هم کاهش می‌یابد.

مثلا رابطه بین ساعات استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پایین آمدن معدل درسی محصلین

در این حالت گفته میشود رابطه بین دو متغیر مثبت است یعنی $r=1$

گاهی دیده میشود که رابطه بین دو متغیر از نوع معکوس است. یعنی اینکه وقتی یک متغیر افزایش پیدا میکند، متغیر دیگر کاهش پیدا میکند و بالعکس.

در این حالت ضریب همبستگی روی عدد -1 قرار میگیرد یا اینکه منفی میشود. مثلا رابطه بین مصرف سبزیجات و ریسک ابتلا به سرطان روده بزرگ از نوع همبستگی منفی است.

اگر پژوهشی نشان دهد که با بالا رفتن سن، میزان علاقه به ازدواج کم میشود گفته میشود بین این دو متغیر رابطه معکوس یا منفی وجود دارد.

توجه به این مسئله ضروری است که وجود همبستگی بین دو متغیر لزوماً ممکن است دلیلی برای وجود رابطه بین این دو نباشد. شاید هر دو تحت تاثیر متغیر سوم باشند.

اینجاست که گفته میشود باید فرق بین همبستگی و رابطه علی را بدانیم. مثلا با گرم شدن هوا میزان مصرف بستنی هم بالا میرود. از طرفی میزان آفتاب سوختگی هم در این فصل بالا میرود. نباید گمان کرد که افزایش همزمان دو متغیر نتیجه وجود ارتباط بین آنهاست. یعنی هیچ رابطه منطقی بین میزان آفتاب سوختگی و بالا رفتن مصرف بستنی نیست و هر دو متغیر تحت تاثیر متغیری دیگر یعنی گرم شدن هوا هستند.